

مختصات عرفان راستین نزد فیض کاشانی

شهناز شایان‌فر^۱

چکیده

در آرای فیض کاشانی، در باب مواجهه با تصوف دوگانگی‌ای به چشم می‌خورد او از یک سو، در *الکلمات الطریفه* به انتقاد از کژی‌های عالمان عصر خود به ویژه صوفیه می‌پردازد. از سوی دیگر، صبغه عرفانی آثار مرحوم فیض غیرقابل انکار است؛ او آثاری چون *کلمات مکنونه*، *منتخب بعض ابواب فتوحات مکیه* و *منتخب مثنوی معنوی* را در فضای عرفانی نگاشته است. فیض حتی در تفسیر آیات در *صافی* و بیان روایات در *وافی* از اقوال و آرای ابن عربی بهره می‌برد. بنابراین مرحوم فیض نه با آموزه‌های عرفانی بلکه با تصوف رسمی خانقاه و دعوی‌های صوفیه عصر خویش مخالفت کرده است. و مخالفت فیض با تصوف، به تصوفی باز می‌گردد که در آن، امام و معرفت به او نقشی نداشته و احیاناً برخی یا اکثر مطالب آن با شریعت و عقل در تعارض است و موافقت او با تصوف، به اندیشه عرفانی برمی‌گردد که در آن، افزون بر پایبندی به عقل و شریعت، امام معصوم (ع) به عنوان صراط مستقیم و معیار مطرح است. در این جستار از مؤلفه‌های عرفان راستین نزد او و هماهنگی میان آنها بحث می‌شود.

واژگان کلیدی: عرفان راستین، تصوف خانقاهی، فیض کاشانی، عقل، شریعت، امام معصوم (ع).